

گونه شناسی انتقادی آثار پژوهشی پیرامون ارتداد

محمد فیضی^۱، کاظم قاضی زاده^۲، حسین رجبی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۹)

چکیده

مسئله ارتداد ماهیتی چندوجهی دارد. ارائه دیدگاههای کارآمد و منطقی و به دور از سلايق شخصی پیرامون ارتداد، نیازمند بازخوانی آن از ابعاد مختلف کلامی، فقهی، اجتماعی و سیاسی است. دستیابی به دیدگاههای برتر اسلامی پیرامون ارتداد یکی از نتایج بازخوانی جامع الاطراف موضوع ارتداد است. در همین راستا مقاله حاضر، تألیفات و مقالات پیرامون موضوع ارتداد را دسته‌بندی نموده، پیشینه مطالعاتی حوزوی و دانشگاهی در زمینه ارتداد و احکام آن را بررسی کرده و در میان این مطالعات به شناسایی شبهات و خلأهای فقهی و کلامی مسئله ارتداد پرداخته است. مقاله حاضر با پارادایم انتقادی، رویکرد کیفی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که: فتاوی فقهی و مطالعات پژوهشی پیرامون موضوع ارتداد دارای چه گونه‌هایی است و پژوهشگران از چه منظر و رویکردهایی به آن پرداخته‌اند؟ دسته‌بندی رویکردهای مختلف و نقد آنها از موارد نوآوری این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: ارتداد، فتاوی فقهی، احکام فقهی ارتداد، مطالعات پژوهشی ارتداد.

-
۱. دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
(نویسنده مسئول) / feizi69@gmail.com
 ۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران /
k.ghazizadeh@modares.ac.ir
 ۳. استادیار، گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران /
h.rajabi@urd.ac.ir

طرح مسئله

بحث ارتداد از مباحث مهمی است که ابعاد گوناگون آن در حوزه‌های علم کلام، فقه، تاریخ و تفسیر قابل پیگیری است. این بحث در حوزه فقهی از سوی فقیهان با استناد به روایات منقول از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و با صبغه فقهی مطرح گردیده است. احکام ارتداد طی قرون متمادی در بسیاری از کتب فقهی، غالباً در باب حدود و نیز به مناسبت، در برخی از ابواب مثل طهارت، ارث و نکاح، مطرح و ثبت و ضبط شده است. این احکام با چالشها و نقدهای جدی نیز روبه‌رو شده است. البته نگاه انتقادی به احکام ارتداد سابقه‌ای طولانی در پژوهشهای فقهی و کلامی نداشته است. عمده مباحث انتقادی و سلبی در باب ارتداد پس از انتشار منشور حقوق بشر و ابتدا توسط مستشرقین آغاز گشته است. این مباحث با همراهی روشنفکران و نواندیشان دینی و مذاهب مختلف مواجه شده است (Peters & De Vries, 1976, pp1-25).

آنچه بر اهمیت بررسی همه‌جانبه موضوع ارتداد افزوده است، ایراد اشکالات و شبهات گوناگون کلامی است. برخی از این اشکالات با استناد به اصول مطرح مکاتب فلسفی غرب مطرح شده است. توجه به تراحمات و تعارضات احکام ارتداد با برخی از آیات قرآنی و اصول مسلم عقلی و کلامی به عنوان حقوق انسان هم‌چون آزادی عقیده و بیان پایه اصلی برخی دیگر از شبهات در باب ارتداد است که در ادامه مقاله به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

در این راستا بررسی پیشینه مطالعات پیرامون ارتداد در ابعاد گوناگون به عنوان گام اول پژوهش در این باب، هدف اصلی این مقاله است. نگاشته حاضر ما حاصل مطالعه بررسی ۳۸ کتاب مشهور فقهی دانشمندان شیعی و اهل سنت از قرن سوم تا زمان معاصر، و ۵ کتاب انتقادی و بیش از ۵۰ مقاله علمی پژوهشی در باره ارتداد و مباحث پیرامونی آن است. مقاله پیش رو به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال مهم و اصلی است که: مطالعات مختلف پیرامون موضوع ارتداد دارای چه گونه‌هایی است و پژوهشگران متقدم و متأخر از چه منظر و رویکردهایی به آن پرداخته‌اند؟ ورود به بحث، نیازمند مفهوم‌شناسی ارتداد و نگاهی اجمالی به تاریخچه ارتداد در صدر اسلام است.

تعریف ارتداد

ارتداد در لغت به معنی مطلق رجوع و بازگشت است و در اصطلاح فقها به «کفر پس از اسلام» (شهید اول، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۳۳) و «خروج از آن» به واسطه قول یا فعل دال بر آن، توسط شخص «عادل بالغ مختار و قاصد» (شیخ بهایی، ۱۳۸۶ش، ص ۹۲۵) اطلاق می‌شود. در نگاه برخی از فقیهان انکار آگاهانه به عنوان شرط صدق عنوان ارتداد بر افراد شمرده شده است. صانعی عنوان مرتد را بر کسی اطلاق می‌کند که یکی از اصول عقاید و یا حکمی از احکام شرع را که یقین دارد از شرع است، انکار و جحد نماید (صانعی، ۱۳۸۶ش). فقیهان شیعی با توجه به سابقه یا عدم اسلام شخص، مرتد را به فطری و ملی تقسیم‌بندی می‌کنند. مرتد فطری کسی است که «بر مسلمانی زاده شده و پدر و مادر یا یکی از آنها مسلمان بوده باشند» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۶۰۲). البته تعیین حدود و ثغور ولادت (از انعقاد نطفه تا پس از تولد) و شرایط صدق آن (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۹۴) محل اختلاف و تضارب آراء فقها است. هم‌چنین مرتد ملی به کسی گفته می‌شود که «پدر و مادرش کافر بوده باشند و او مسلمان شده باشد و بعد از آن مرتد شود» (مجلسی، بی‌تا، ص ۴۹). طبق گفته مقدس اردبیلی مأخذ این تفکیک، معنی لغوی و اصطلاحی نیست، بلکه احکام مخصوص به هر یک از دو گروه متخذ از برخی از روایات منشأ این تقسیم‌بندی است (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۱۸).

نگاهی اجمالی به مفهوم و کیفیت ارتداد در صدر اسلام

در منقولات عصر نبی ﷺ خبری که مبنی بر ارتداد به تعریف رایج باشد وجود ندارد و خروج از اسلام به واسطه شبهه اعتقادی یا اعتقاد به نقض اسلام و قوانین آن و... از آن خارج شده باشد گزارش نشده است. عموم ارتدادها دلایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا قومی و قبیله‌ای داشتند و «سبب خروج اشخاص از اسلام غالباً ارتکاب جرایمی از قبیل قتل، جاسوسی و نظیر آنها بوده که منجر فرار از بلاد اسلام - به خاطر ترس از مجازات - و الحاق به بلاد کفر می‌شد. در برخی از موارد گرایش به اسلام دسته‌جمعی بود به عنوان با مسلمان شدن رئیس قبیله همه اعضای قبیله نیز مسلمان می‌شدند، ارتداد نیز در برخی موارد به همین شکل بود. ارتداد رئیس قبیله، ارتداد سایر افراد قبیله را در پی داشته است. با رویگردانی رئیس قبیله از اسلام، همه افراد قبیله به تبعیت از او مرتد می‌شدند»

(موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، صص ۵-۶). به اعتقاد برخی از پژوهشگران گزارشهای تاریخی پیرامون قتل مرتدین به دلیل صرف ارتداد در دوره پیامبر اکرم ﷺ فاقد استحکام سندی و دلالتی و غیر قابل اعتنا است (صادقی کاشانی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۹۸) بر فرض پذیرش برخی از گزارشهای تاریخی پیرامون دستور حضرت ﷺ بر اعدام افراد^۴ هیچ یک به عنوان مرتد اعدام نشدند، چه آنکه آنان اصلاً وارد دین اسلام نشده بودند. به عنوان نمونه طوسی در مبسوط سبب قتل دو مغنیه پس از فتح مکه را ارتداد نمی‌داند و می‌گوید: «و هذا ليس بصحيح، لأنه ﷺ ما أمر بقتلهما للارتداد، لأنهما ما أسلمتا، لكن لكفرهما والغناء بسببه ﷺ» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۲۸۲).

«صبحی محمصانی به نقل از ابن‌الطلاح آورده است که در هیچ‌یک از کتابهای تصنیف شده نیامده است پیامبر ﷺ مرتد یا زندیقی را به وسیله قتل مجازات کرده باشد» (محقق داماد، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳). نتیجه می‌گیریم که «اعدام هیچ‌کس در زمان پیامبر ﷺ با عنوان مشخص مرتد، قطعی نیست و مجرمان معدوم، محکوم به دیگر جرایم بوده‌اند» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۶). اما در عصر خلفاء ثلاثه شاهد گزارشهای فراوانی از ارتداد افراد با انگیزه‌های مختلف و بالتبع برخورد حکومتی شدید با آنها در قالب جنگهای رده هستیم که البته مورد تأیید ائمه اهل‌بیت ﷺ واقع نشده است (جعفریان، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۳).

ابن‌حزم اهل رده در زمان خلفای ثلاثه را در دو دسته معرفی می‌کند: دسته اول کسانی که اصلاً مسلمان نشده بودند، مانند مسیلمه و سجاج و یاران آنها که تحت عنوان کفار حربی قرار می‌گیرند و دسته‌ای دیگر که مسلمان بودند و اما از پرداخت زکات به ابوبکر امتناع کردند و به همان دلیل کشته شدند و هیچ‌یک به حقیقت مشمول حکم مرتد نبودند (ابن‌حزم، بی‌تا: ص ۵۶)^۵. اما دوران حکومت امام علی ﷺ عموم گزارشهای تاریخی و حدیثی مبنی بر اینکه ایشان کسی را در زمان حکومت خود به دلیل ارتداد یا خروج از

۴. در نگاه برخی از پژوهشگران اصل سندیت این ترورها مورد خدشه است.

۵. «و لا یختلف الحنفیون و لا الشافعیون فی أن هؤلاء لیس لهم حکم المرتد اصلاً، و هم قد خالفوا فعل أبی بکر فیهم، و لا یسمیهم أهل رده.»

اسلام اعدام کرده باشد، دارای ضعف سندی و فاقد دلیل معتبر است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۳۰).

هم‌چنین در زمان دبگر ائمه هدی علیهم‌السلام هیچ‌کس با حکم ایشان به دلیل تغییر دین و خروج از اسلام اعدام نشده است. قتل افرادی به‌عنوان مرتد در زمان خلفای اموی و عباسی غیرقابل انکار است، اما هیچ دلیل معتبری بر تأیید این احکام از سوی ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام در دست نیست و در نتیجه اجرای حکم قتل مرتد از سوی اولیای دین یا با تأیید و رضایت ایشان در منابع شیعه «فاقد گزارش معتبر است» (صادقی کاشانی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۹۸).

گونه‌شناسی فتاوی فقهی پیرامون ارتداد

مسئله ارتداد از صدر اسلام به عنوان یکی از موضوعات تاریخی اسلام مورد توجه بوده است. از آنجا که علم فقه منحصرأ متکفل مقوله تبیین وظیفه و تکلیف مکلفان در مقام عمل است، حکم مرتد، پس از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با تألیف کتب فقهی توسط ائمه مذاهب و فقیهان شیعی وارد متون فقهی روایی و استدلالی شد. شافعی از اولین فقیهانی است که با تکیه بر دلایل روایی در کتاب فقهی خود «لام» متعرض حکم ارتداد شد و مغربی و پس از وی مفید از اولین فقیهان شیعی بودند که موضوع ارتداد را با صبغه فقهی بحث نموده‌اند. از این‌رو مهمترین بخش مطالعات پیرامون موضوع ارتداد، پژوهشهایی است که منجر به صدور فتاوی فقهی می‌شود. نتیجه این مطالعات عموماً در قالب صدور احکام شرعی ظاهر شده است. احکام شرعی ارتداد پس از رجوع به ادله مرتبط و استنباط آن، در تألیفات مستقل یا یکی از ابواب رسائل فقهی مندرج شده است. در این مقاله از این پژوهشها تحت عنوان «فتاوی فقهی» بحث می‌شود.

در میان بسیاری از آراء فقهی متقدم و متأخر پیرامون ارتداد، تفاوت اساسی وجود ندارد. با وجود تفاوت موقعیتهای اجتماعی و سیاسی فقیهان از جهت بسط ید و عدم آن، کلیت فتاوی آنها در قتل مرتد مشترک است. هر چند در لزوم استتابه پیش از قتل و عدم لزوم آن اختلاف نظر وجود دارد.

اشتراک کلیت فتاوا حاکی از عدم تغییر و تطور قابل توجه آراء فقها و ثبات فتوایی در طول اعصار مختلف است. هرچند در رویکرد آنان به ادله و استناد به آن اختلافات بنیادین وجود دارد. البته در مواردی نیز به سبب امور و مصالح خارجی و به حکم ثانویه می‌توان

تفاوت و تغییر برخی از فتاوا را شاهد بود. از این رو نمی‌توان در این مورد طبقه‌بندی ادواری خاصی را تعریف کرد. از آنجا که شناخت و نقد فتاوای فقهی فقها نیازمند شناخت مبانی خاص آنان است، این مقاله از مواجهه انتقادی با آنها خودداری نموده و به دسته‌بندی و تحلیل کیفی آن بسنده می‌کند.

۱. دسته‌بندی فتاوای فقها

۱-۱. فقه‌های امامیه

با ملاحظه مشروح مطالب بیان شده، به‌طور کلی مجموع فتاوای فقه‌های مذاهب درباره ارتداد و احکام پیرامون مرتد، در سه دسته جای می‌گیرد:

الف) قول مشهور: مشهور فقها با پذیرش ادله، قائل به قتل مرتد فطری و عدم پذیرش توبه وی و نیز قتل مرتد ملی در صورت استتکاف از توبه هستند. مهمترین شاخصه‌های مقوم این قول عبارتند از: ۱. تعریف بسیط و بی‌قید و شرط از ارتداد؛ ۲. عدم لحاظ و تأثیر بخشی شرایط فردی و اجتماعی مرتد در صدور حکم؛ ۳. توسیع دایره مشمولین حکم ارتداد.

ب) قول جمعی (در مقابل مشهور): جمعی از فقها با وجود پذیرش اجمالی ادله، با تعریف حکم ثانوی، قائل به عدم تحقق‌پذیری حکم ارتداد و بالتبع عدم اجرای آن در اکثر موارد شده‌اند. مهمترین شاخصه‌های تشکیل‌دهنده این قول عبارتند از: ۱. ایجاد قیود و محدودیت در تعریف ارتداد از جمله موضوعیت عنصر جحد و انکار در تحقق آن؛ ۲. ملاحظه و تعیین شرایط مختلف فردی و اجتماعی برای اجرای حکم ارتداد؛ ۳. تضییق دایره مرتدین و عدم امکان اجرای حکم ارتداد برای بیشتر موارد مظان ارتداد، از مهمترین آثار قول مزبور است.

ج) قول شاذ: عده کمی از فقیهان قائل به عدم اصالت حکم قتل مرتد هستند و آن را فاقد مشروعیت می‌دانند. برخی از مهمترین شاخصه‌های تشکیل‌دهنده این قول عبارتند از: ۱. ایجاد خدشه در ادله روایی ارتداد از حیث سند؛ ۲. ایجاد خدشه در ادله روایی ارتداد از حیث محتوایی و دلالتی؛ ۳. ادعای تعارض حکم ارتداد با اصول قرآنی و برخی از حقوق انسانی مانند آزادی عقیده و ...

۱-۲. فقه‌های مذاهب اربعه

فقه‌های مذاهب اربعه فرقی میان مرتد فطری و ملی قائل نشده‌اند و بالاتفاق شخص مرتد را در صورتی که شبهه‌ای معقول ارائه نکند محکوم به مرگ دانسته‌اند. در صورت ارائه شبهه - ای معقول بر صاحب‌نظران لازم است که بر رفع شبهه وی تلاش نموده و به مشکل عقیدتی او پایان دهند.

استتابه مرتد (ارائه مهلت سه‌روزه به مرتد برای توبه توسط قاضی قبل از اجرای حکم قتل که از آن به استتابه تعبیر می‌شود) یکی دیگر از احکام فقهی مذاهب است. حکم استتابه طبق فتوای فقه‌های حنفی مستحب و براساس دیدگاه شافعیان و مالکیان واجب است (جزیری، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۲۳). حنبلیان نیز قائل به عدم وجوب استتابه هستند و قتل مرتد به مجرد وقوع ارتداد را جایز می‌دانند (ابن قدامه، ۱۹۹۷م، ص ۱۴۸).

مرتد زن نیز طبق نظر جمهور فقیهان با استناد به عموم روایت «من بدل دینه فاقتلوه» و نیز سیره پیامبر ﷺ محکوم به قتل است و اما حنفیان ضمن قیاس مرتده و کافره و مستند به گزارش «نهی النبی ﷺ عن قتل الکافره التي لا تقاتل» به حبس وی حکم داده‌اند.

۲. آثار متقدم فقهی

قاضی نعمان مغربی (۲۸۳-۳۶۳ق) از اولین فقیهانی است که در کتاب فقهی خود به نام «دعائم الاسلام» به موضوع ارتداد اشاره نموده است. اگرچه مغربی مستقلاً به ذکر احکام ارتداد نپرداخته، اما در ضمن روایاتی که طبعاً مورد قبولش بوده به آن اشاره کرده است (ابن حیون، بی‌تا، ج ۲، صص ۴۸۳-۴۸۰). با وجود اسماعیلی بودن مغربی در خلاصه نظراتش تفاوتی با نگاه مشهور امامیه (قتل مرتد فطری) دیده نمی‌شود.

محمد بن محمد بن نعمان ملقب به مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) نیز در المقنعه به صورت ضمنی و در بحث ذبایح به موضوع ارتداد پرداخته است و با ادعای اجماع به قتل مرتد فطری حکم مشهور را در آن جاری می‌داند (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۰).

دیدگاه طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) نیز در کتب تهذیب (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، صص ۱۳۹-۱۳۷) و المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، صص ۲۸۷-۲۸۳) تفاوتی با نظر مشهور ندارد. ایشان علاوه بر ذکر روایات فقهی و تاریخی ضمن ادعای «اجماع فرقه» به آنها استناد کرده است.

محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) در کتاب النهایه (طوسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۱۶) و حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) در کتب تحریر الاحکام (حلی، بی تا، ج ۵، صص ۳۹۸-۳۹۷) و ارشاد الازهان (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، صص ۱۹۰-۱۸۹) بر فتوای مشهور تأکید نموده‌اند. عدم اعتقاد به عمومیت بعثت پیامبر اکرم ﷺ به عنوان یکی از موجبات ارتداد از اختصاصات فتاوی حلی است (حلی، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۵).

دیدگاه اعرجی (۶۸۱-۷۵۴ق) در کنز الفوائد (اعرجی، بی تا، ج ۳، صص ۳۶۱-۳۶۰) و شهید اول در کتابهای الدروس الشرعیه و لمعه مطابق فتوای مشهور است. البته شهید اول با وجود قول به مهدورالدم بودن مرتد، حکم قتل مرتد را در زمره حدود می‌داند و از آنجا که قائل به عدم جواز اجرای حدود در زمان غیبت است، اجرای حکم قتل را بر هیچ کس به-جز توسط امام یا نایب او جایز نمی‌داند (شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۵۳).

فتوای قطان حلی (زنده در ۸۳۲ق) در کتاب معالم الدین (قطان حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۵۲۱-۵۲۰) و نیز شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ق) در کتابهای الروضه البهیة (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۳۳۳) و «مسالك الافهام» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، صص ۳۰-۲۶) با فتوای مشهور فقها مطابقت دارد. شهید ثانی ارتداد را حتی با نیت کفر و تردید نیز حاصل می‌داند و البته در نگاه وی تشخیص ارتداد امر اجتهادی است و حکم آن منوط به نظر حاکم است.

مقدس اردبیلی (م ۹۹۳) در «مجمع الفائده و البرهان» به موضوع ارتداد پرداخته است. در نگاه مقدس اردبیلی احکام خاصه مرتد فطری دارای دلیل واضحی از کتاب و سنت و اجماع به حیثی که تمام اقسام و احکام را شامل شود، نیست (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱۳، ص ۳۱۹). ایشان هم‌چنین نکته خاصی را در تعریف ارتداد فطری بیان می‌کند که ظاهراً (تا قبل از وی) دیگران مطرح نکرده‌اند آن هم تفکیک میان اسلام حقیقی و اسلام حکمی است و منظور از اسلام در تعریف ارتداد را کفر پس از اسلام حقیقی می‌داند نه اسلام حکمی (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۹).

فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۰ق) در کتاب مفاتیح الشرایع (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸۴)، مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق) در کتاب حدود، قصاص و دیات (مجلسی، بی تا، صص ۴۸-۴۵)، فاضل هندی (۱۰۶۲-۱۱۳۷ق) در کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، صص ۶۶۵-۶۶۰) و شیخ بهایی (۹۵۳-۱۳۰۳ق) در جامع عباسی (شیخ بهایی،

۱۳۸۶ش، صص ۹۲۵-۹۲۰). پیرامون ارتداد بحث نموده و در مجموع احکام آنها مطلب جدیدی افزون بر آراء فقها مشهور دیده نمی‌شود.

نجفی معروف به صاحب جواهر (۱۲۰۲-۱۲۶۶ق) در کتاب «جواهر الکلام» و طباطبایی یزدی در «العروه الوثقی» درباره ارتداد بحث کرده و مطابق مشهور فتوا داده‌اند. نجفی ضمن تأکید بر حکم مشهور؛ ارتداد را شامل گروههای زیادی می‌داند. در فتوای وی ارتداد با انکار ضروری مذهب مثل متعه توسط شیعه، انکار امامت حاصل می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۶۰۲). هم‌چنین قتل فرزند مرتد ملی پس از بلوغ با اسلام و در صورت استنکاف از استتبابه از فتاوی خاص ایشان است (همان، ج ۴۱، ص ۶۱۶).

با ملاحظه فتاوی فوق می‌توان گفت: در میان بسیاری از آراء فقهی متقدم و متأخر پیرامون ارتداد، تفاوت اساسی وجود ندارد. با وجود تفاوت موقعیتهای اجتماعی و سیاسی فقیهان از جهت بسط ید و عدم آن، کلیت فتاوی آنها در قتل مرتد مشترک است. هر چند در لزوم استتبابه پیش از قتل و عدم لزوم آن اختلاف نظر وجود دارد.

اشتراک کلیت فتاوا حاکی از عدم تغییر و تطور قابل توجه آراء فقها و ثبات فتوایی در طول اعصار مختلف است. هر چند در رویکرد آنان به ادله و استناد به آن اختلافات بنیادین وجود دارد. البته در مواردی نیز به سبب امور و مصالح خارجی و به حکم ثانویه می‌توان تفاوت و تغییر برخی از فتاوا را شاهد بود. از این‌رو نمی‌توان در این مورد طبقه‌بندی ادواری خاصی را تعریف کرد. از آنجا که شناخت و نقد فتاوی فقهی فقها نیازمند شناخت مبانی خاص آنان است، این مقاله از مواجهه انتقادی با آنها خودداری نموده و به دسته‌بندی و تحلیل کیفی آن بسنده می‌کند.

۳. وجوه اشتراک مطالعات منتج به فتوای فقهی

۱- عموم فقیهان در آغاز بحث مستقل ارتداد، آیات ناظر به آن را ذکر نموده‌اند. اما از آیات قرآن کریم به عنوان دلیل حکم استفاده نکرده‌اند.

۲- استناد به روایات وارده در این باب یکی دیگر از اشتراکات روشی آنان در استنباط حکم است. روایات پیرامون قتل مرتد در تراث شیعی را می‌توان در چهار دسته جای داد: الف) روایاتی که منحصرأ در بیان حکم مرتد ملی است (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۴۴، ص ۲۵۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۱۳۹؛ نوری، بی‌تا، ج ۱۸، باب ۱ از ابواب حد

مرتد، حدیث ۵؛ ب) روایاتی که منحصرأً مشتمل بیان حکم مرتد ملی است (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، صص ۱۴۰-۱۳۹؛ نوری، بی تا، ج ۱۸، باب ۲ از ابواب حد مرتد، حدیث ۱)؛ ج) روایاتی که حکم مرتد فطری و ملی را با هم بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۱۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۷، صص ۲۶۰-۲۵۶)؛ د) روایاتی که درباره حکم مرتد به صورت مطلق و بدون تفصیل فطری یا ملی سخن گفته‌اند (همان جا؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، صص ۱۴۴-۱۳۶).

مجموع این اخبار بیش از بیست روایت است. البته شرایط اعتبار همه آنان در نزد فقیهان احرار نشده است. از میان آنان روایات علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام، محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام، حسن بن محبوب از صادقین علیهم السلام و عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام در کافی (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۷، ص ۲۵۸) و روایات حسین بن سعید از امام رضا علیه السلام و عباد بن صهیب از امام صادق علیه السلام در تهذیب (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۱۳۹) و روایات محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و سکونی از امام صادق علیه السلام در کتاب من لایحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۱۴۹) به عنوان برخی از مستمسکات فقیهان در حکم قتل مرتد فطری شناخته می‌شود.

۳- ادعای اجماع مسلمین توسط مفید (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰۰) و نیز اجماع شیعه توسط طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۷۱۳) نیز یکی دیگر از دلایل مشترک فقها در صدور حکم مزبور است. البته در نگاه برخی از فقها «احکام خاصه مرتد فطری دارای دلیل واضحی از کتاب و سنت و اجماع به حیثی که تمام اقسام و احکام را شامل شود، نیست» (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱۳، ص ۳۱۹).

با تحولات دنیای معاصر و طرح شبهات و اشکالات جدی در مباحث گوناگون معرفتی از جمله موضوعات مرتبط با حقوق بشر، حکم ارتداد نیز در میان برخی از فقهای نواندیش معاصر با تحولات جدی روبه‌رو شده و تغییراتی پذیرفته است. آنان هر چند اصل حکم ارتداد را پذیرفته‌اند، اما با توجه به جنبه‌های اجتماعی و جرم‌شناسی ارتداد، به واسطه وضع شرایط خاص برای تحقق ارتداد و اجرای آن دایره شمول مصادیق مرتد را محدود نموده‌اند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، صص ۱۳۲-۹۸؛ منتظری، ۱۳۸۴ش، ج ۳، صص ۴۷۷-۴۷۵). برخی نیز ضمن قراردادن موضوع ارتداد در مجموعه حدود با اعتقاد به عدم اجرای حدود در زمان غیبت، عملاً اجرای آن را سالبه به انتفاء موضوع

دانسته‌اند. البته عده کمی از صاحب‌نظران نیز با ایراد اشکالات جدی اصل حکم قتل مرتد را حکمی غیرمشروع دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند (کدیور، بی‌تا، ص ۲۵۰).

۴. مهمترین نقاط تمایز میان آراء فقیهان شیعه

۴-۱. تضييق و توسيع دايره مصاديق مرتد

الف) تفاوت در تعريف ارتداد و كفر: نحوه تعريف فقهي فقيهان از دو واژه ارتداد و كفر، يكي از مهمترين عوامل اختلاف فتاوي آنان در موضوع ارتداد است. تعريف مشكك و ذومراتب از دو اصطلاح يادشده موجب تضييق يا توسيع دايره شمول مرتدين مي‌گردد. به اين صورت كه:

در نگاه برخي فقيهان صرف ترك امتثال مانند ترك سجده بر آدم (قطان حلي، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۲۱) يا بي‌احترامي به احاديث و ضرايح معصومين عليهم السلام (مجلسي، بی‌تا، ص ۴۷) و يا هر فعل و قولي كه مشعر به قصد تحقير و استهزاء باشد (مغنيه، ۱۳۷۹ش، ج ۵، ص ۲۹۸) مصداق كفر و موجب ارتداد است. در مقابل برخي از فقيهان نيز عنصر جحد و انكار و يا توطئه عملي عليه دين را مكون محوري ارتداد مي‌دانند.

ب) نسبت بين شك و مرتد: شمول يا خروج شخص شك از دايره مرتدين يكي ديگر از مسائل مهم در تعريف ارتداد است؛ اينكه آيا به صرف ترديد در اعتقادات انسان مرتد مي‌شود يا جزم و تصديق اعتقاد كافرانه شرط كفر و ارتداد است؟

به اعتقاد مجلسي (م ۱۱۱۰ق) كفر شخص شك از ضروريات دين نيست و شك در اصول دين صرفاً پس از بيان و اقامه دليل سبب كفر مي‌شود (مجلسي، ۱۳۶۳ش، ج ۱۱، ص ۱۱۳) و البته در نگاه حلي (م ۴۴۷ق) اظهار شعار كفر اگر با استدلال باشد گرچه كفر است، اما ارتداد به‌شمار نمي‌آيد (ابوالصلاح حلي، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱۱). در مقابل منتظري (م ۱۴۳۰ق) با شاخص قرار دادن عناد در تعريف كفر شك و قصور را از شمول اين تعريف خارج نموده و كسي را كه «يا در حال تحقيق است و يا در اثر ضعف مطالعه يا القائات تشكيك‌كنندگان و يا به دلايل ديگر در بعضي اصول يا فروع ضروري دين به شك مي‌افتد، بدون داشتن عناد و تعصب و لجاجت» مرتد نمي‌داند (منتظري، ۱۳۸۴ش، استفتاء ۲۵۰۶). موسوي اردبيلي (م ۱۴۳۸ق) نيز با تمسك به استصحاب، مقتضاي اصل و قاعده اوليه عندالشك را عدم ارتداد دانسته و با اشاره به روايات دال بر كفر شك، آنها را يا

حمل به جحد نموده و یا کفر در مقابل ایمان می‌داند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۳۵). همچنین صانعی قاصرهای را از دایره مرتدین فقهی خارج نموده و با این استدلال که جزا بر امری که انسان بر آن حجت نداشته، جزا بر امری غیرحرام است، رأی به عدم ترتب احکام مرتد فطری بر قاصر داده است: «قاصرهای و کسانی که مغزشان مسائلی را نمی‌کشد و غافل و قاصرند و مستضعف دینی هستند... چه از اول مطلبی از اسلام را انکار کرده باشد و چه نعوذ بالله بعد از مطالعه به انکار رسیده باشد» (صانعی، ۱۳۸۶ش).

۴-۲. شروط ارتداد ملی و فطری

با وجود اجماع فقهای شیعه در تفاوت احکام مرتد ملی و فطری اما تعریف و جعل شروط متفاوت از دیگر موضوعات مورد نزاع آنان است. مشهور فقیهان کفر بعد از اسلام اصلی را ارتداد فطری می‌شمارند، اما شماری از فقیهان متقدم و متأخر «تقید به شرع و شناخت احکام اسلام برای ابوبین یا یکی از آن دو را شرط اطلاق فطری شمرده و آنچه از «اسلام» در تعریف کفر بعد از اسلام متبادر است را اسلام حقیقی می‌دانند، نه حکمی» (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱۳، صص ۳۱۹-۳۱۸).

موسوی اردبیلی نیز چهار شرط برای صدق ارتداد فطری ذکر می‌کند که عبارت است از: ۱. اسلام ابوبین یا یکی از آنها حین انعقاد نطفه؛ ۲. اسلام هر دو هنگام ولادت؛ ۳. تعبد آنها به احکام شرع تا هنگام بلوغ یا تربیت اسلامی فرزند تحت نظری مربی در صورت فقدان ابوبین؛ ۴. معرفت و تقید اجمالی فرزند به احکام اسلامی در زمان بلوغ (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۹۲).

البته با فقدان هر یک از شروط فوق از آن جهت که «احتمال ظالمانه بودن به دلیل عقاید پیشین در مرتد ملی کمتر است» ابتدائاً حکم قتل بر وی بار نمی‌شود (منتظری، ۱۳۸۵ش، ص ۶۹۵). از این رو شاید بتوان دلیل فتوای برخی از فقها مبنی بر «عدم قتل کودک مسلم قبل از استتبابه در صورت اختیار کفر پس از بلوغ» (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۵۲۹) و شمارش آن در عداد کفر اصلی (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۹۲) را التزام به اعتبار شرایط فوق دانست.

۳-۴. انکار ضروریات

انکار یک ضروری دین به عنوان یکی از موجبات ارتداد اگر چه امری مورد اتفاق فقهای متقدم و متأخر است، اما به جهت تعریف ضروریات و شرایط آن از موارد اختلاف جدی فقها به‌شمار می‌آید. در نگاه عده‌ای از فقیهان صرف شیوع موضوعی به عنوان امر دینی سبب قرار گرفتن در زمره ضروریات است و انکار آن موجب ارتداد است. به عنوان نمونه مجلسی در تعریف ضروری چنین می‌گوید: «اموری که در دین اسلام به مرتبه‌ای شیوع یافته که هر که در اقصای بلاد اسلام باشد و بادیه‌نشینان و لران و کردان همه می‌دانند کسی که انکار یکی از اینها کند مرتد است» (مجلسی، بی‌تا، ص ۴۸). دسته‌ای دیگر ملاک ضروری دین را علم و یقین خود شخص به دینی بودن موضوع می‌دانند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۶۵۸).

بر همین اساس مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق) انکار امر ضروری مذهب مانند متعه را نیز از آن جهت که خود شخص معتقد دینی بودن آن است موجب ارتداد می‌داند. البته بسیاری از آنان انکار ضروری را تنها در صورتی که به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر ﷺ بینجامد از اسباب ارتداد می‌شمارند و به همین جهت استحلال حرام را فی‌نفسه در شمار اسباب ارتداد قرار نداده‌اند. به عنوان مثال در دیدگاه محقق حلی (م ۶۷۶ق) «هر مستحل‌الدم محکوم به ارتداد نیست. چه بسا کسانی در حرمت شرب خمر شبهه دارند و باقی بر اسلام می‌شوند» (طوسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

با توجه به بیان فوق و به دلالت اولویت، انکار امر اجماعی میان مسلمین ارتداد نمی‌آورد. چه آنکه «حجیت اجماع ظنی است وقتی انکار اصل اجماع کفر نیست انکار مدلول آن هم بالطریق اولی کفر نیست» (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۸۲).

۴-۴. سایر مباحث مورد اختلاف

همچنین در حوزه ارتداد مسائل دیگری مانند شرایط اثبات ارتداد، احکام تکرار ارتداد، حبس مرتده، درخواست ازاله شبهه و... مورد اختلاف فقها است و به مباحث دیگری از جمله مسئله مهم کیفیت استتابة و شرایط مستتیب کمتر توجه شده که با توجه به ضیق مجال و مقال از پرداختن به آن در مقاله حاضر خودداری می‌شود.

گونه‌شناسی مطالعات آکادمیک پیرامون ارتداد

مسئله ارتداد، احکام و شبهات پیرامونی آن به مطالعات حوزوی و آراء فقیهان صاحب‌نظر محدود نشده است. موضوع ارتداد مورد توجه جوامع دانشگاهی نیز قرار گرفته است و در این باب مطالعاتی روشمند و آکادمیک در قالب نگارش مقالات و بعضاً تألیف رساله و کتاب صورت گرفته است. امتیاز این دسته از مطالعات نسبت به دسته پیشین آن است که این دسته از مطالعات عموماً به قصد صدور فتوای فقهی صورت نگرفته و منتج به آن نیز نشده است.

اندیشمندان معاصر از جهات گوناگون به بررسی مسئله ارتداد پرداخته‌اند. تألیفات جدید پیرامون ارتداد را می‌توان در شش رویکرد متفاوت دسته‌بندی کرد. خاطر نشان می‌شود با توجه به محوریت گونه‌شناسی در موضوع مقاله حاضر، نقد و بررسی نیز متوجه کلیات آثار در هر گونه و دسته است؛ چه آنکه حجم مقاله مانع از نقد هر یک از آثار به صورت جداگانه است.

۱. رویکرد فقهی

دسته‌ای از تألیفات به نگاه‌های اختصاصی دارد که از زاویه غالباً فقهی به مسئله ارتداد پرداخته‌اند. برخی به گزارش احکام ارتداد در فقه شیعه یا در حیطه‌ای وسیع‌تر به فقه مذاهب بسنده کرده‌اند. سعیدی در پایان‌نامه خود با عنوان «ارتداد در فقه شیعه» (سعیدی، ۱۳۷۸ ش، صص ۶۷-۶۲) پس از تعریف ارتداد و ذکر آیات و روایات ارتداد و نیز بیان تاریخچه مختصری از ارتداد در صدر اسلام دیدگاه فقهای شیعه را مطرح نموده و در ضمن آن به شبهه مخالفت حکم قتل مرتد با آزادی پاسخ گفته است. در نگاه وی هرگونه خروج از اسلام «قیام علیه نظام اسلامی» تلقی شده و طبعاً نظام دین حق شدیدترین برخورد با آن را دارد. حبیبی‌تبار نیز در مقاله خود با عنوان «جستاری در حقیقت ارتداد و رابطه آن با آزادی اندیشه و بیان» (حبیبی‌تبار، ۱۳۸۹ ش، صص ۱۲۴-۱۰۵) به جمع‌آوری احکام فقه شیعه پیرامون ارتداد بسنده کرده و برای دفاع از احکام به روایاتی بدون بررسی رجالی استناد نموده است. با وجود عنوان مقاله در متن هیچ‌گونه اشاره‌ای به بحث آزادی اندیشه نشده است. جناتی نیز در مقاله‌ای ضمن بیان احکام ارتداد در فقه مذاهب بر لزوم بررسی نسبت احکام با آیه «لا اکراه فی الدین» و احکام قصاص و دیدگاه غربیان و شرایط تنجز

تکلیف تأکید نموده است (جناتی، ۱۳۷۳ش، صص ۵۳-۴۴)، موسوی رکنی نیز ضمن مقاله‌ای مختصر و اجمالی که در بردارنده دیدگاه کلی مکاتب فقهی شیعه و سنی درباره احکام ارتداد نگاشته (موسوی رکنی، ۱۳۷۹ش، صص ۸۷-۷۸) نتیجه‌گیری کرده که با توجه به شرایط گوناگونی که فقهای مذاهب مختلف برای ثبوت ارتداد و نیز اجرای مجازات آن در نظر گرفته‌اند، مرتد واقعی به ندرت مصداق می‌یابد؛ زیرا تحقق انکار ضروریات دین، موضوع مورد انکار و نیز شرایط شخص منکر، نقش عمده‌ای را در این زمینه ایفا می‌کند.

بر عموم تألیفات مرتبط با این رویکرد دو نقد وارد است: ۱. بسیاری از این مقالات به جمع‌آوری و توصیف فتاوی فقها بسنده نموده‌اند و بیشتر مقالات فوق فاقد صبغه پژوهشی و تحلیلی هستند؛ ۲. وجود پیش‌فرض صحت احکام مشهور ارتداد که عموماً حاصل توجه و باور به مقام و منزلت فقیهان پیشین و عدم توجه به امکان خطا در استنباطات است، سبب شده که برخی مؤلفین مقالات در موضع دفاع از احکام و بدون استدلال به مقابله با نگاههای مخالف برخاسته و به تخطئه آنها بپردازند.

البته شماری اندک از مقالات فوق حاوی یافته‌های پژوهشی و بدون موضع‌گیری است و به عنوان مثال جناتی در مقاله‌ای دیگر (جناتی، ۱۳۷۹ش، صص ۳۶۳-۳۵۵) شرایط ورود اجتهادی به بحث ارتداد را مطرح کرده و پس از آن بدون هرگونه موضع‌گیری (نفی یا اثبات) به ذکر احکام اجتهاد از قول مشهور پرداخته است.

نکته بدیع و قابل توجه این مقاله مشروط دانستن افتاء فقها در ارتداد به تحصیل شرایط خاص است. در نگاه وی عوامل مختلفی از جمله: ۱. آگاهی کامل از عوامل و اسباب ارتداد، ادله مرتد، ۲. شناخت موازین اجتهادی برای رد فروع جدید به اصول، ۳. توان درک واقعیت‌های زمان و عینیت‌های خارج به جهت فهم نتایج و پیامدهای حکم، ۴. توانایی بررسی روایات از جنبه‌های گوناگون به عنوان شرایط اصلی افراد در افتاء پیرامون ارتداد مطرح است. جناتی هم‌چنین اجرای حکم را به بررسی نیاز یا عدم نیاز به حضور یا اذن امام معصوم علیه السلام و خودداری از اجرای حکم هنگام عروض شک منوط می‌داند. توجه فقیه به شرایط فوق در مراحل استنباط و صدور فتوا می‌تواند تأثیر قابل توجهی در تحقق-

پذیری آن و نیز کاهش ضریب خطا در استنباطات داشته باشد که از امتیازات نوشتار فوق به‌شمار می‌آید.

۲. رویکرد تفسیری

بررسی احکام ارتداد با تکیه بر تفسیر آیات مرتبط یکی دیگر از رویکردهای مقالات نگاشته‌شده در این موضوع است و در این میان عدم استفاده فقهی از آیات برای مجازات دنیوی مرتد وجه مشترک مقالات مذکور است. ناصح در مقاله «بررسی آیات ارتداد در تفاسیر فریقین» (ناصح، ۱۳۹۵ش، صص ۱۵۸-۱۴۷) به تفسیر آیات با محور مجازات دنیوی ارتداد پرداخته و ضمن نفی دلالت آیات بر مجازات دنیوی مرتد با استفاده از اصل اولی عدم مجازات و استصحاب بر آن تأکید نموده‌اند. اثبات پذیرش توبه مرتد بر اساس آیات از نقاط متمایز این مقاله است. مقاله دیگری با همین رویکرد نیز به قلم ناصح به نگارش درآمده که در آن به بررسی شأن نزول آیات مربوط به ارتداد پرداخته شده است (ناصح، ۱۳۸۶ش، صص ۱۱۸-۱۰۳). به اعتقاد نگارندگان مقاله مذکور از آنجا که «در عصر نزول ارتدادی واقع نشد، مگر در اواخر» و «در قرآن هیچ حدی به‌صراحت برای مرتد مشخص نشده است» و لذا هیچ‌یک از احکام فقهی مربوط به ارتداد از آیات و سیره نبوی قابل برداشت نیست.

حلاق استاد دانشگاه کلمبیا مقاله‌ای برای مدخل ارتداد در دائرةالمعارف قرآن لیدن نگاشته و در آن به مباحثی هم‌چون معنای، کفر و ارتداد و سرنوشت مرتدان از دیدگاه قرآن، تاریخچه پیوند مفهومی کفر و ارتداد، توبه مرتدان، جنگهای ارتداد، مصادیق ارتداد و مجازات آن پرداخته است. از نکات قابل توجه این مقاله عدم تطابق مجازات اعدام برای ارتداد با رفتار پیامبر ﷺ است و لذا نویسنده احتمال قوی وضع مجازات در زمان پس از رسول خدا ﷺ را منتفی نمی‌داند. وی می‌گوید: «به احتمال فراوان، محکوم کردن تعدادی از مرتدان به مرگ توسط خلیفه اول بوده و بعداً در اثر مرور زمان آن را سنت پیامبر ﷺ به‌شمار آورده‌اند.» هر چند حلاق احادیثی را مبنی بر اجازه پیامبر ﷺ بر چنین حکمی ذکر می‌نماید، اما معتقد است که آن حضرت در عمل، آن را انجام نداده است. لازم به ذکر است که مجله قرآن پژوهی خاورشناسان در یکی از شماره‌گان خود (رضایی هفتاد، ۱۳۹۱ش، صص ۱۳۰-۱۱۳) به بررسی این مقاله پرداخته و نقاط ضعف و قابل نقد از دید خود را

مطرح کرده است. مهمترین نقاط مورد نقد در این نوشتار مطالب پیرامون مثلث اصطلاح-شناختی کفر و ارتداد و فسق، مختلف دانستن سرنوشت اخروی مرتدین در قرآن و طرح مباحثی در زمینه مجازات ارتداد بدون اشاره به اقسام آن است. این مقاله در آخر نتیجه می‌گیرد که حلاق به دلیل توجه به نظرات اهل سنت از دیدگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون ارتداد بی‌بهره مانده است.

بر غالب تألیفات مرتبط با این رویکرد این نقد وارد است که عموم آثار فوق به تفاوت مبنایی مفسران در زمینه آیات مربوط به ارتداد از جمله ذکر مجازات دنیوی مرتد یا عدم آن در قرآن کریم و نیز قول به ماهیت تعزیری یا حدی حکم ارتداد به عنوان مهمترین لوازم بررسی ارتداد با رویکرد توجه نکرده‌اند. در بیان کوتاه فقدان بررسی مبنایی مفسران را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین موارد قابل نقد در آثار متعلق به این رویکرد برشمرد و آن را نیازمند بازبینی دانست.

۳. رویکرد تاریخی

ارتداد و مسائل پیرامونی آن در منظر تاریخ و بررسی چگونگی ارتدادها در قرون نخستین یکی دیگر از رویکردهای پژوهشی است. پژوهشگران اندکی به بررسی تاریخی ارتداد پرداخته‌اند. گزارشهایی پیرامون ارتداد و قتل برخی از افراد در دوران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است. این گزارشها محور اصلی پژوهشهای فوق است. پژوهشهای برخی از محققین سنی به این گزارشها اختصاص یافته است. از آن جمله می‌توان به تألیفات علوانی (علوانی، ۲۰۱۴م) و خطیب شربینی (خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، باب الرده) اشاره کرد. در میان محققین شیعی نیز به جز مؤلف کتاب فقه الحدود و التعزیرات که در بخش گذشته به آن اشاره شد، صادقی فدکی (صادقی فدکی، ۱۳۸۸ش)، صرامی (صرامی، ۱۳۷۶ش) و ثقفی (ثقفی، ۱۳۸۹ش، صص ۱۸۴-۱۶۳) به صورت جداگانه در بخشی از تألیفات خود درباره گزارشهای ارتداد در صدر اسلام سخن گفته‌اند. مقاله صادقی کاشانی با عنوان «نگاهی دوباره به مستندات تاریخی ارتداد» (صادقی کاشانی، ۱۴۰۱ق، صص ۵۰۳-۴۸۳) به صورت مستقل و به نحو تفصیلی گزارشها و روایات ارتداد در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوران پس از ایشان را بررسی کرده است. وی شواهد تاریخی ارتداد در سه دوره عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دوران خلفا و عصر ائمه علیهم‌السلام را نقادی کرده و نتیجه گرفته است:

«رسول خدا ﷺ کسی را به صرف ارتداد محکوم به اعدام نکرد.» هم‌چنین: «گزارشهای مربوط به دوران امام علی ﷺ و سایر ائمه ﷺ نیز از اعتبار کافی برخوردار نیستند.» در نگاه مؤلف مقاله، بیشتر گزارشها ارتداد در جهت تأیید و توجیه برخورد خلفا در جریان «رده» تولید و منتشر شده است.

در تألیفات مربوط به ارتداد با رویکرد تاریخی می‌توان به دو نقطه قوت اشاره کرد: ۱. تفکیک میان ارتداد فردی و ارتداد جمعی در تاریخ صدر اسلام؛ ۲. بررسی جداگانه جریان ارتداد در دوران حضور رسول اکرم ﷺ و دوره خلفا. توجه به هر یک از نکات فوق در نتیجه‌گیری حکمی تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.

۴. رویکرد ماهیت‌شناسی

بخش عمده‌ای از تألیفات جدید مستقلاً به بررسی چیستی و ماهیت ارتداد از زاویه بررسی ارکان وجودی و مکون ارتداد پرداخته‌اند و عمدتاً با هدف ایجاد محدودیت در دایره مصادیق مرتد شرایط و قیود خاصی را برای ارتداد تعریف کرده‌اند. نکات متمایزی که در بررسی ماهوی ارتداد مورد تأکید این دسته از مقالات است عبارت است از:

۴-۱. ارتداد تعزیر یا حد؟

یکی از مباحث تأثیرگذار در تعریف، شمول مصادیق و اجرای حکم ارتداد، قرار گرفتن حکم ارتداد در دایره حدود یا احکام تعزیری است. تعریف حکم ارتداد در زمره حدود منجر به انعطاف‌ناپذیری و عدم تغییر حکم مرتد البته در صورت اعتقاد به قابلیت اجرای حدود در زمان غیبت می‌شود و اما از آنجا که در شرع مقداری برای تعزیر معین نشده و قابل تغییر و حتی «عفو از سوی قاضی است» (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۲، صص ۱۴۴-۱۴۲)، جایگیری حکم مرتد در میان احکام تعزیری نیز امکان تغییر یا حتی عدم اجرای آن را در صورت مصلحت هموار می‌کند. سروش محلاتی در فصل سوم از کتاب آزادی، عقل، ایمان (سروش محلاتی، ۱۳۸۱ش، صص ۳۱۹-۲۵۹) به بحث ارتداد پرداخته است. اگرچه مطالب کلیت فصل در دفاع از حکم ارتداد است، اما آن را حکم حکومتی ولایی و جزو احکام تعزیری و قابل انعطاف معرفی نموده و اجرای آن را دایر مدار مصالح جامعه اسلامی می‌داند. موسویان نیز در مقاله‌ای با عنوان «کیفر مرتد حکمی سیاسی» (موسویان،

۱۳۸۸ش، صص ۱۷۰-۱۴۵) اولاً حکم ارتداد را حکمی سیاسی و حکومتی دانسته و ثانیاً با توجه به عدم ذکر حکم مرتد در شمار حدود توسط فقهای متقدم، به تناسب احتیاط و قاعده درء آن را در دایره احکام تعزیری قرار می‌دهد. از آنجا که ارتداد از موضوعاتی است که «در شرایط گوناگون فرهنگی و اجتماعی، دارای اشکال مختلفی است»، وی اقتضاء اصل عقلی و عقلایی تناسب بین جرم و کیفر را لزوم اعمال انعطاف در کیفر مرتد می‌داند و با وجود نگاه خوش‌بینانه به روایات تصریح می‌کند: حمل نص نبوی بر کلیه حالات و بی‌اثر دانستن کلیه این قیود دشوار می‌نماید» (همان، ص ۱۶۸).

۴-۲. نقش علم و جهل در ارتداد

محوریت علم و جهل در تحقق و نیز رابطه آن با شک و تردید از مسائل مهمی است که در برخی از نگاه‌های آکادمیک پیرامون ارتداد بررسی شده است. از تألیفات پیرامون این مسئله می‌توان به مقاله «شک و شبهه و ارتداد از دیدگاه مذاهب اسلامی» (محمدیان کبریا، ۱۳۸۶ش، صص ۲۵۲-۲۳۱) اشاره کرد. نویسنده مقاله پس از بررسی و دسته‌بندی اقوال مذاهب درباره رابطه میان شک و تحقق ارتداد، شک و تردید را تا زمانی که در نیت باقی و اظهار نشده موجب ارتداد نمی‌داند. به باور نویسنده مقاله مذکور دلایلی از قبیل ۱. لزوم ورود استدلالی در اصول دین، ۲. استصحاب عدم تغییر دین، ۳. تناسب تبدیل دین با انکار دین قبلی و اظهار آن، موجب ترتب حکم ارتداد بر اظهارکننده شک می‌شود. اصغرپور طلوعی نیز در مقاله خود (اصغرپور طلوعی، ۱۳۹۷ش، صص ۲۷-۲۶) نقش علم در تحقق ارتداد را با مطالعه موردی پیرامون مسئله انکار ضروری دین بررسی نموده است. نویسندگان این مقاله پس از بررسی آراء فقهای امامیه پیرامون نحوه رابطه انکار ضروریات و تحقق ارتداد به این نتیجه رسیده‌اند که: «اگر انکار ضروری دین به دلیل وجود شبهه‌ای از طرف انکارکننده باشد نه تنها موجب ارتداد نیست، بلکه باید به شبهه او پاسخ داده شده و مورد ارشاد و راهنمایی عالمانه قرار گیرد.»

«اختفای حقیقت؛ پناهگاه الحاد، نگرشی به پدیده ارتداد» عنوان مقاله‌ای دیگر است که در آن نویسنده به نظریه «اختفای حقیقت» عبدالکریم سروش پرداخته و حکم ارتداد را فقط در رابطه با شناخت خداوند و با نگرش کلامی بررسی کرده است (ساجدی، ۱۳۹۷ش، صص ۶۶-۴۷). این مقاله در عین قول به مدخلیت علم در ارتداد با این توجیه

که: «در اصل وجود خدا جهل قصوری متصور نیست و وضوح حقیقت خداوند نشان از عناد مرتد منکر خداوند است» از حکم اعدام برای منکر خداوند دفاع کرده است. تألیفات مرتبط با این رویکرد از زاویه‌ای مهم قابل بررسی است و آن عدم توجه محققین به عوامل اجتماعی خروج از دین مانند رواج بی عدالتی در جوامع دینی، عملکرد غلط برخی از دینداران و متولیان دینی و هم‌چنین عدم لحاظ عوامل شخصیتی و روان-شناختی در شخص مرتد است که می‌توانند در تعریف ماهوی ارتداد تأثیرگذار باشند. بی-توجهی به محورهای فوق از مهمترین نقاط ضعف و قابل نقد در تألیفات این دسته است.

۵. ارتباط حکم ارتداد با آزادی عقیده

مسئله جایگاه آزادی عقیده و آزادی بیان در تعلیمات اسلامی و نمود عملی آن در احکام فقهی از مهمترین مباحث مطرح در مطالعات معاصر پیرامون ارتداد است و حکم ارتداد یکی از بارزترین نمونه‌های آن است. بررسی این نکته که آیا احکام گوناگون مرتد در تعارض با آزادی عقیده و کرامت انسان قرار می‌گیرد و یا در دو مقوله متفاوت تعریف می‌شوند از موضوعات مورد توجه برخی از مقالات است. مفاد عموم مقالات در دفاع از کلیت حکم ارتداد نگاشته شده است.

مقاله «ارتداد: آزادی اندیشه و آزادی بیان» (عزیزان و صدری، ۱۳۸۱ش، صص ۸۵-۷۶) معتقد به تفکیک میان دو مقوله «آزادی اندیشه» با «آزادی عقیده» است و با دفاع از «آزادی فکر و اندیشه» ای که به‌طور روشمندانه و صادقانه در پی کشف حقیقت است، به نقد اعلامیه حقوق بشر به جهت درج آزادی عقیده پرداخته و می‌گوید: «اعلامیه حقوق بشر، آنجا که از تعلیم و آموزش سخن می‌گوید، آموزش همگانی را در حد تعلیمات ابتدایی اجباری می‌داند و به‌طور غیرمستقیم آزادی عقیده فرد بی‌سواد را که معتقد به ضروری بودن سوادآموزی است را محدود می‌کند و به عقیده او ارجحی نمی‌گذارد.» نویسندگان مقاله رویگردانی از عقاید اسلامی را مادامی که در تنها در فضای اندیشه باقی مانده و منجر به ابراز عقیده نشده باشد ارتداد کلامی صرف (علم کلام) دانسته و مجازات دنیوی بر آن مترتب نمی‌دانند و اما ابراز و اظهار عقاید الحادی که موجبات انحراف فکری جامعه را فراهم می‌سازد را موجب ترتب احکام فقهی ارتداد بر وی می‌شمارند.

معدنی نیز در مقاله‌ای با رویکرد فقهی و کلامی که جنبه فقهی آن غالب است (معدنی، ۱۳۸۵ش، صص ۱۰۲-۸۳) به شبهه تنافی احکام ارتداد با آزادی پرداخته‌اند. نویسنده پس از بیان و بررسی شیوه‌های مختلف پاسخ‌گویی به آن، فلسفه‌ای عقلانی منطقی در تشریح احکام مقرر برای ارتداد را تبیین نموده و بدین وسیله تضعیف تنافی مزبور را میسر دانسته است. در این تبیین احکام ارتداد زمانی بار می‌شود که تبلیغ و تخریب اجتماعی داشته باشد: «تعقیب مجازات مرتد نه به صرف تغییر عقیده بلکه به خاطر رفتار خطرناک همراه با توطئه او به استناد مقرراتی است که شخص مرتد در ابتدا به هنگام پذیرش ارادی و آزادانه اسلام از آن احکام مطلع بوده و خود را مقید ملتزم به آن دانسته است.»

هم‌چنین یدالله‌پور در مقاله خود (یدالله‌پور، ۱۳۹۹ش، صص ۱۸-۷) ضمن واکاوی حق تدین در قرآن کریم، آزادی عقیده را از نخستین امور مندرج در آن شمرده و هرگونه اجبار به پذیرش عقیده را سرکوب کرامت و اهانت به شخصیت انسانی می‌داند. در نگاه وی به همین دلیل، پیامبران الهی در مأموریت خویش منحصراً موظف به معرفی گزینه‌ها و بیان فرجام هر یک از آنها و نیز رفع موانع از گزینش آگاهانه توسط افراد بوده‌اند. نویسنده مقاله مزبور با طرح این سؤال که: «اگر تدین حق مسلم انسانی است و اسلام آن را به رسمیت شناخته است، پس چرا مسلمانی که از اسلام دست برداشته و از دین خود اعراض کند حکم قتل برای او تعیین شده است؟» به ادعای برخی از افراد پیرامون «پارادوکس حق تدین با حکم ارتداد» پرداخته و آن را پاسخ داده است. در نگاه یدالله‌پور میان آزادی عقیده که آیه شریفه لا اکراه فی الدین یکی از مهمترین دلایل قرآنی آن است و احکام ارتداد به هیچ عنوان تنافی وجود ندارد، چرا که آزادی عقیده و حق تدین مربوط به انتخاب دین است و اما شخص «پس از پذیرش دین در چارچوب دین و محدود به حدود دینی خواهد بود و پس از انتخاب آزادانه دین به لوازم آن گردن نهاده است» که یکی از آنها ممنوعیت ارتداد و پذیرش احکام کیفری آن است.

در این زمینه و با همین رویکرد مقاله دیگری نیز با عنوان «توهین به مقدسات و ارتداد در فقه امامیه و عامه» (اسفندیاری بیات، ۱۳۹۶ش، صص ۱۰۰-۸۵) نگاشته شده و نویسنده وجه جمع میان احکام ارتداد و آیات مصرح در آزادی عقیده را ناظریت همه آیات به مقام پذیرش اصل دین می‌داند. عدم اجبار اسلام به اصل پذیرش دین و سعی در

فراهم نمودن فرصت تفکر و تعقل پیش از دعوت برای انسان اصلی پذیرفته شده است و اما پس از پذیرش دین، ضمن سلب حق برگشت «کسی حق ندارد، دین را به بازی بگیرد. به بیان دیگر، شخصی که اقدام به پذیرش دین می‌کند، باید به اصل ارتداد و عواقب آن آگاهانه ملتزم شود» (همان، ص ۹۶).

سید موسی صدر یکی دیگر از پژوهشگران است که طی مقاله علمی پژوهشی خود (صدر، ۱۳۸۲ش، صص ۹۴-۱۱۱) ارتباط میان احکام ارتداد و آزادی انسان را به چالش کشیده است. این پژوهشگر با توضیح «حق بودن آزادی عقیده» از میان معانی ارائه شده تنها معنای «کیفر دنیوی نداشتن» را می‌پذیرد و سپس به بررسی دلایل احکام ارتداد می‌پردازد. از دید وی روایات، لزوم قتل مرتد را تأیید می‌کند و آیات قرآن مؤید عدم لزوم قتل مرتد است و اما توجیه هر دو دسته موافق و مخالف در تمسک به روایات و آیات ناموفق می‌نماید و لذا با همراهی قرائن و شواهد تفسیر دیگری از روایات ارائه می‌دهد و آن اینکه: حکم قتل مرتد در روایات، قیدی ارتكازی دارد که «وضوح اسلام» باشد. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد: «هرگاه وضوح اسلام به جهت شبهه‌افکنی یا ضعف توان فکری شخص برای او از میان رفته باشد و مرتد گردد محکوم به قتل نخواهد بود.» نویسنده مذکور با این بیان که آزادی عقیده مشروط بر گزینش مسئولانه و با دلیل موجه مورد پذیرش قرآن است، اما اگر گزینش متکی به دلیل موجه و گزینش مسئولانه نبود مشمول کیفر اسلام که برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی آن وضع شده است قرار می‌گیرد و «این به معنای سلب آزادی نیست»، شبهه تعارض احکام ارتداد با آزادی عقیده را پاسخ می‌دهد.

محمدی نیز مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی جرم‌انگاری ارتداد در حقوق ایران و بین‌الملل» (محمدی، ۱۳۹۷ش، صص ۳۰۳۵-۳۰۳۴) نگاشته و طی آن جایگاه ارتداد در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نموده و نتیجه گرفته که در قانون به واسطه وجود مصالحی هیچ اشاره‌ای به ارتداد نشده و قاضی با نگاههای فقهی حکم صادر می‌کند. این نوشتار با بررسی مواد موجود در قانون داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری ارتداد را در چهار محور مفهوم، مواد قانونی، عناصر جرم ارتداد در حقوق موضوعه و جرم‌انگاری ارتداد در حقوق بشر بررسی و مذاقه نموده است. تأکید بر آزادی عقیده و دین و مذهب در اعلامیه حقوق بشر یکی از مباحث اصلی محور چهارم این مقاله است. در نگاه نویسندگان با

توجه به فتاوی فقیهان مبنی بر انحصار مجازات ارتداد به اظهار و تبلیغ عقیده هیچ‌گونه تنافی میان آن احکام و مفاد اعلامیه حقوق بشری وجود ندارد.

تألیفات این رویکرد از دو منظر قابل نقد است: ۱. عدم تعریف مرزهای آزادی اندیشه، آزادی عقیده و آزادی بیان در پژوهشهای فوق؛ ۲. تعمیم محدودیتهای اظهارنظر و بیان عقیده به حیطه آزادی اندیشه، که این تعمیم ناروا و نوعی مغالطه است که در بیشتر مقالات فوق مشاهده می‌شود و پاسخ‌گوی ابهامات رابطه میان حکم ارتداد و آزادی اندیشه نیست.

۶. رویکرد نفی کلی حکم ارتداد

نفی کلی حکم ارتداد به واسطه بررسی و نقد ادله فقیهان مبنی بر مجازات ارتداد یکی از رویکردهای مطرح در مطالعات جدید است. کدیور در رساله نقد مجازات مرتد و ساب النبی (کدیور، ۱۳۹۳ش) که گزارشی از گفت‌وگوی انتقادی وی با فاضل لنکرانی است، ضمن واکاوی ادله مستمسک فقیهان، قائل به عدم اصالت احکام مشهور ارتداد شده است.

در نگاه وی حکم وجوب قتل مرتد اولاً فاقد مستند قرآنی است و ثانیاً در مورد ادله روایی نیز «دوسوم روایات وجوب قتل مرتد فاقد اعتبار سندی هستند» و مابقی روایات علاوه بر عدم تواتر به دلایل متعددی از جمله عدم حجیت خیر واحد در امور مهم، تبدل موضوع مرتد از زمان صدور روایات تا کنون، حاکمیت قاعده درء بر روایات، تعارض اخبار با محکومات قرآنی و موازین قولی و عملی پیامبر رحمت ﷺ و نیز اندراج حکم مهدورالدم بودن مرتد تحت عنوان ثانوی موجبات وهن اسلام وافی مقصود نبوده و قابلیت اجرای احکام مدلولش را ندارند.

اگر این رساله به جهت وجود مباحث تخصصی فقهی در زمره مطالعات فقهی حوزوی جای می‌گیرد، نقد و اظهارنظر پیرامون آن از عهده این مقاله خارج است. اما می‌توان آن را به واسطه سبک و روش بحث و نگارش و عدم انتاج به فتاوی فقهی در میان مطالعات جدید و آکادمیک دسته‌بندی کرد.

نتیجه

۱. در سیر تطور آراء مشهور فقیهان متقدم و متأخر درباره ارتداد تفاوت محسوس و قابل توجهی ملاحظه نمی‌شود. حکم قتل برای مرتد فطری و سلب حقوق فردی و اجتماعی به

عنوان نقطه مشترک فتاوی فقیهان قابل ذکر است، هرچند در سعه و ضیق شمول حکم و تعیین مصادیق اختلاف آراء مشهود است.

۲. با وجود تفاوت‌های جدی در رویکردهای مطالعات آکادمیک، تألیفات این حوزه عموماً در مقام دفاع از حکم ارتداد برآمده و توجیه‌گر احکام فقهی و قانونی آن است.
۳. عموم تألیفات در عین اذعان به حق آزادی اندیشه و بیان در انسان (برگرفته از نقل و عقل)، احکام ارتداد را منافی با آن نمی‌دانند. برخی با تفسیر ارتداد و انحصار احکام آن به صورت اظهار و تبلیغ اندیشه‌های کافرانه و برخی نیز با توجه به مفاسد اجتماعی ارتداد قائل به عدم تنافی میان احکام و آزادی عقیده شده و احکام مذکور را نافذ دانسته‌اند.
۴. در میان اندیشمندان دینی و آثار متنوع آنان رویکرد نفی کلی حکم ارتداد از طرفداران اندکی برخوردار است که ضمن نفی دلالت روایات موانعی فقهی و کلامی برای اجرای آن ذکر می‌کنند.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ش). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). المحلی بالآثار. بیروت: دارالفکر.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (بی تا). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۹۷م). المعنی. ریاض: دار عالم الکتب.
- ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام.
- اسفندیاری بیات، حمزه، و ابوالحسنی، ابوالحسن (۱۳۹۶ش). توهین به مقدسات و ارتداد در فقه امامیه و فقه عامه. اندیشمند/حقوق، (۱۲)۵، ۸۵-۱۰۰.
- اصغریور طلوعی، عادل، وکیل زاده، رحیم، حیدری، محمدعلی، و شکرچی زاده، محسن (۱۳۹۷ش). استقلال در سببیت انکار ضروری دین و نقش علم در تحقق ارتداد. فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۱)۵۱، ۷-۲۶. doi: 10.22059/jzfil.2018.220179.668257
- اعرجی، عبدالمطلب بن محمد (بی تا). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- تفتی، سید محمد (۱۳۸۹ش). بازشناسی رفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با جریان ارتداد و تغییر عقیده. علوم اسلامی، (۲۰)۵، ۱۶۳-۱۸۴.
- جزیری، عبدالرحمن (بی تا). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷ش). تاریخ سیاسی اسلام. قم: الهادی.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۳ش). ارتداد از دیدگاه مذاهب اسلامی. کیهان/اندیشه، (۵۴)، ۴۴-۵۳.
- همو (۱۳۷۹ش). حکم ارتداد از نگاه مبانی اجتهادی. نقد و نظر، (۲۰)۷، ۳۵۵-۳۶۳.
- حبیبی تبار، حسین (۱۳۸۹ش). جستاری در حقیقت ارتداد و رابطه آن با آزادی اندیشه و بیان. علوم اسلامی، (۱۹)۵، ۱۰۵-۱۲۴.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الأذهان الی احکام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ش). *تحریر الوسيله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- رضایی هفتادار، حسن، و عزیزاللهی، محمدمهدی (۱۳۹۱ش). بررسی ارتداد در دایرة المعارف قرآن لیدن. *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ۷(۱۲)، ۱۱۳-۱۳۰.
- ساجدی، اکبر (۱۳۹۷ش). «اختلاف حقیقت» پناهگاه الحاد؛ نگرشی دیگر به پدیده ارتداد. *تحقیقات کلامی*، ۶(۲۰)، ۴۷-۶۶.
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۱ش). *آزادی، عقل و ایمان*. تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- سعیدی، فریده (۱۳۷۸ش). *ارتداد در فقه شیعه* (پایان‌نامه کارشناسی).
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق). *القواعد و الفوائد*. قم: کتابفروشی مفید.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۸۶ش). *جامع عباسی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صادقی فدکی، سید جعفر (۱۳۸۸ش). *ارتداد؛ بازگشت به تاریکی: نگرشی به موضوع ارتداد از نگاه قرآن کریم*. قم: بوستان کتاب.
- صادقی کاشانی، مصطفی (۱۴۰۱ش). نگاهی دوباره به مستندات تاریخی ارتداد. *پژوهشهای فقهی*، ۱۸(۲)، ۴۸۳-۵۰۳. doi: 10.22059/jorr.2021.314811.1009004
- صانعی، یوسف (۱۳۸۶ش). *سؤالاتی پیرامون ارتداد*. در: ارتداد از نگاه اندیشمندان؛ بررسی مقوله ارتداد در آراء اندیشمندان و علمای ایران. 3danet.ir/apostasy
- صدر، سید موسی (۱۳۸۲ش). ارتداد و آزادی عقیده از نگاه قرآن. *پژوهشهای قرآنی*، ۹(۳۴)، ۹۴-۱۱۱.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۷۶ش). *احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳ش). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (۱۳۶۵ش). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المكتبة المرتضویة.
- همو (۱۴۱۲ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- عزیزان، مهدی، و صدری، حبیب (۱۳۸۱ش). ارتداد: آزادی اندیشه و آزادی بیان (۳). کلام اسلامی، (۴۲)، ۷۶-۸۵.
- علوانی، طه جابر (۲۰۱۴م). لا إكراه فی الدین. بیروت: المركز الثقافی العربی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۲ق). مفاتیح الشرائع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قطان حلی، محمد بن شجاع (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- کدیور، محسن (۱۳۹۳ش). رساله نقد مجازات مرتد و ساب النبی. وبسایت رسمی محسن کدیور.
- همو (بی تا). مجازات ارتداد و آزادی مذهب. وبسایت رسمی محسن کدیور.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (بی تا). حدود و قصاص و دیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی، و موسوی فر، سید محسن (۱۳۹۳ش). جرم ارتداد در روایات. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۱(۸)، ۳-۲۴.
- محمدی، صفدر، علیپور قوشچی، سلمان، و کریمی، معصومه (۱۳۹۷ش). بررسی جرم‌انگاری ارتداد در حقوق ایران و بین الملل. مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدیان کبریا، علی (۱۳۸۶ش). شک، شبهه و ارتداد از دیدگاه مذاهب اسلامی. فقه و مبانی حقوق، ۳(۹)، ۲۳۱-۲۵۱.
- معدنی، حسنعلی، و امام، سید محمدرضا (۱۳۸۵ش). ارتداد و احکام آن با رویکردی به مبانی آزادی عقیده در اسلام. مقالات و بررسیها، ۳۹(۱)، ۸۳-۱۰۱.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۹ش). فقه الإمام جعفر الصادق علیه السلام. قم: انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). المقننه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴ش). استفتائات. تهران: نشر سایه.

- همو (۱۳۸۵ش). *اسلام دین فطرت*. تهران: نشر سایه.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ش). *فقه الحدود و التعزیرات*. قم: جامعه المفید.
- موسوی رکنی، سید علی اصغر (۱۳۷۹ش). ارتداد از دیدگاه مکاتب فقهی. *پژوهشهای علوم انسانی*، ۱(۳)، ۷۹-۸۷.
- موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۸ش). کیفر مرتد، حکمی سیاسی. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱(۱)، ۱۴۵-۱۷۰. doi: 10.22075/feqh.2017.1850
- ناصح، علی احمد، و زارعی، طیبه (۱۳۹۵ش). بررسی آیات ارتداد در تفاسیر فریقین. *پژوهشهای تفسیر تطبیقی*، ۲(۱)، ۱۴۷-۱۵۸. doi: 10.22091/ptt.2016.804
- ناصح، علی احمد، و امیدوار، جنان (۱۳۸۶ش). بررسی آیات ارتداد در بستر نزول قرآن. *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۱۸.
- نجفی، محمدحسن (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی (بی تا). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- یدالله پور، محمدهادی (۱۳۹۹ش). بازخوانی حق تدین در آیات قرآن کریم با تأکید بر آیه «لا إکراه فی الدین». *مطالعات تفسیری*، ۱۱(۴۱)، ۷-۱۸.
- Peters, Rudolph, & De Vries, Gert J.J. (1976). Apostasy in Islam. *Die Welt des Islams*, 17(1-4), 1-25.